

راننده پر خاشگر کیست؟



راننده پر خاشگر راننده‌ای است که با توسل به خشونت، قصد انجام اعمال خلاف مقررات راهنمایی و رانندگی را دارد.
اعمالی مثل تغییر مسیر ناگهانی و خطرناک، سبقت غیرمجاز، رعایت نکردن فاصله مناسب طولی و عرضی، بوق زدن‌های مکرر، استفاده از نور بالا برای تنبیه دیگران، حرکت سریع و تعقیب و گریز خودروبی، سرعت‌های نابه‌جا، مانور و تغییر مسیر به‌طور مکرر، اشغال طولانی خط سبقت، ترمزهای ناگهانی و مکرر، انحراف از مسیر اصلی و عبور از خط مقابل برای راهیایی از ترافیک غیرروان و قانون‌شکنی و دیگر رفتارهای ناپسند همراه با فحاشایی و هتاک‌ی به دیگران، در کارنامه رانندگی افراد پرخاشگر کاملاً مشهود است.
از عوامل مؤثر در بروز رفتار پر خاشگرانه رانندگان می‌توان به صرف زمان، معطلی و کندی ترافیک، بی‌حوصلگی و شتاب زدگی، مشکلات روانی راننده، عوامل زنتیکی، الودگی‌های صوتی موجود در محیط و تأثیر الودگی هوا بر سیستم عصبی اشاره کرد.

رانندگان پر خاشگر به نوعی دچار هیجان زدگی یا آزد زدگی هیجانی هستند که این مسئله می‌تواند متأثر از سه‌مؤلفه اصلی باشد که در نخستین قدم نشانه وجود خصوصیات شخصیتی بی‌قرار، بی‌قت و ناشکیباست.

دومین خصیصه قدرت‌طلبی و زورمداری برخی از رانندگان و سومین خصیصه بی‌پروایی... تعداد محدود و انگشت شماری از رانندگان است که این مسئله باعث برخی شرایط روانی و نگرش‌های نامطلوب در آنها می‌شود.

هنگامی که راننده پرخاشگر در شب پشت سر راننده جلویی خود با نور بالا حرکت می‌کند، زمانی که راننده پر خاشگر سرعت راننده عقبی خود را با حرکت کند می‌گیرد یا هنگامی که راننده پر خاشگر با سرعت بالا و با بوق‌های ممتد قصد تنبیه سایر رانندگان را دارد همه از نوع رفتارهای رانندگی پر خاشگری وسیله‌ای است.

هر چند که سطح پر خاشگری افراد از موقعیتی به موقعیت دیگر فرق می‌کند، ولی افراد از لحاظ تداوم رفتارهای پر خاشگرانه در طول زمان با هم فرق دارند. افرادی که در هنگام رانندگی دست به رفتارهای رانندگی پر خاشگرانه می‌زنند، در موقعیت‌های دیگر و عادی زندگی نیز افرادی با آستانه تحمل پایین و پر خاشگر هستند. کسی که پر خاشگری در معابر داشته باشد در صورت مشاهده به عنوان جرم تلقی و به استناد قوانین چنین افرادی دستگیر و به‌عنوان اخلال در نظم عمومی به مراجع قضایی معرفی می‌شوند. البته کنترل‌های پلیس بعضاً به طریق سیستمی بوده که متعاقب آن رفتارها، مالک وسیله نقلیه نیز شناسایی و احضار و به مرجع قضایی معرفی می‌شود.

***معاون اجتماعی و فرهنگ ترافیک ناجا**

دستگیری ۵ شورور محله اتابک

پنج‌نفر از اشرار محله اتابک که اقدام به اخلال در نظم عمومی خیابان منصور کرده بودند، بازداشت شدند.
به گزارش خبرنگار ما، سرهنک محمد جلیتی سر کلانتر ششم پلیس پیشگیری پایتخت گفت: بامداد جمعه ۱۲۷ دی‌بهشت به مأموران عملیات کلانتری ۱۳۲ نبرد خبر رسید که چند نفر از اوپاش محله اتابک با حضور در خیابان منصور در حال ضرب و جرح رهگذران و تخریب خودروهای مردم هستند که در محل حاضر شدند. یکی از مجروحان گفت: همراه همسر و فرزندام داخل خودرو نشسته بودیم که اشرار شیشه‌های ماشینیم را با کلنگ شکستند و با چوب من را هدف قرار دادند که به شدت مجروح شدم. مأموران پلیس به سرعت وارد عمل شده و در حالی که قصد بازداشت آنها را داشتند اشرار با قمه به پلیس حمله کردند که مأموران پلیس با شلیک تیر هوایی از آنها خواستند خود را تسلیم کنند. اشرار اما به ساختمانی مخروبه که محل تجمع اوپاش بود پناه بردند و در راز داخل قفل کردند و به پشت‌بام ساختمان گریختند. آنها از پشت بام اقدام به پرتاب شیشه، سنگ و گاز پیک‌پیکی به سمت مردم و مأموران پلیس کردند.

سرهنک جلیتی گفت: مأموران سپس وارد ساختمان شده و موفق شدند متهمان را بازداشت کنند که تحقیقات از آنها در جریان است.

بازداشت ۲ پلیس قلابی در تهران



دو پلیس قلابی که در جریان پرونده‌های جداگانه اقدام به زورگیری از شهروندان می‌کردند، بازداشت شدند.
به گزارش خبرنگار ما سرهنک جلیل موقوفه‌ای، جانشین رئیس پلیس پیشگیری پایتخت گفت: یکی از متهمان ساعت ۴صبح دیروز با درجه ستوان دومی در خیابان آفریقا به دام مأموران کلانتری ۱۰۳ گاندی افتاد. مأموران پلیس هنگام گشت‌زنی به رفتار وی که در حال حرف زدن با زنی راننده بود مظنون شده و از او تحقیق کردند. پلیس قلابی مدعی شد که مأمور کلانتری ۱۰۷ فلسطین است، اما وقتی نتوانست اسم رئیس کلانتری را به مأموران بگوید مشخص شد که مأمور قلابی است و بازداشت شد.

سرهنک موقوفه‌ای گفت: دومین مأمور قلابی، اما دو روز قبل به دام مأموران گشت کلانتری ۱۸ ستارخان افتاد. آنها در حال گشت‌زنی بودند که به راکب یک دستگاه موتورسبکلت مظنون شدند و او را در جریان تعقیب و گریز بازداشت کردند.

مأموران پلیس در بازرسی بدنی از وی یک قبضه سلاح کلت کمری، یک عدد شوکر، دستبند و کارت شناسایی انتظامی قلابی کشف و متهم را به کلانتری منتقل کردند. متهم ۳۱ساله مدعی شد که ۹سال است که در رشته بوکس کار می‌کند و در پوشش پلیس از معاندان غرب پایتخت زورگیری می‌کند.

حواالت

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

تیام کوچولو را به آغوش خانواده‌اش برسانید



تلاش کارآگاهان پلیس تهران برای یافتن تیام، پسر بچه چهارساله که هنگام بازی در محله‌ای در شرق تهران ربوده شده ناکام مانده است. با تلاش خانواده تیام، زنی معتاد به اتهام ربودن کودک بازداشت شده، اما وی مدعی است که طفل را برای گدایی ربوده بود، اما او را گم کرده‌است.

فروش مرگ در کانال تلگرامی

مدیر کانال تلگرامی اقدام به آموزش خودکشی و فروش سیانور به کاربران می‌کرد

مرگ خودخواسته جوانی تنها، راز فعالیت مدیر یک کانال تلگرامی که کاربران را تشویق به خودکشی می‌کرد، برملا کرد. متهم که مردی ۳۱ساله به نام حمید است و با فروش قرص‌های سیانور به مشتریان کسب درآمد می‌کرد، مدعی است چند بار اقدام به خودکشی کرده و تا یک قدمی مرگ هم پیش رفته است.
به گزارش خبرنگار ما، ضعف ساختارهای پیشگیرانه پلیس برای بروز جرائم سبب شده است تا تبهکاران همواره چند قدم جلوتر از ساختارهای قانونی به حیات مجرم‌شان ادامه دهند. در پرونده‌ای که در پلیس آگاهی تهران در جریان است مدیران کانال‌های تلگرامی کاربران را به خودکشی تشویق می‌کردند که یکی از آنها بازداشت شده است. این پرونده ۱۸ دی‌بهشت‌ماه امسال و هم‌زمان با اعلام مرگ مشکوک مردی ۳۰ساله در منطقه سعادت‌آباد به جریان افتاد. بعد از آن بود که مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس، بازپرس ویژه قتل و کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی تهران راز ماجرا باخبر کردند. تیم جنایی به سرپرستی قاضی دشتیان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران در بررسی صحنه جرم دست‌نوشته‌ای از مرد جوان پیدا کردند که گفته بود با خوردن پودر سیانور به زندگی‌اش پایان داده و هشدار داده بود که نقاطی از خانه آلوده به پودر سیانور است. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که مرد جوان از مدتی قبل و به دنبال جدایی پدر و مادرش به تنهایی زندگی می‌کرده و هزینه زندگی‌اش را هم پدرش پرداخت می‌کرده است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این باره به جریان افتاد. کارآگاهان پلیس در جریان بررسی تماس‌های



قتل و مرگ در میان

خودت را معرفی کن و درباره زندگی‌ات کمی توضیح بده؟

حمید هستم ۳۱ساله. هنوز مجردم فوق‌دیپلم حسابداری دارم البته تافل زبان هم دارم.

چه شد که تصمیم گرفتی کانال تلگرامی «خودخلاصی» را راه‌اندازی کنی؟

من از دوران کودکی زیاد مطالعه می‌کردم تا اینکه در دوران نوجوانی با آثار بعضی از نویسندگان ایرانی و آثار نیچه آشنا شدم. مطالعه کتاب‌های نیچه زندگی‌م را دگرگون کرد به طوری‌که پس از مطالعه چند کتاب از این نویسنده دوست داشتم، بهیرم. متأسفانه کسی نبود مرا راهنمایی کند که چه کتاب‌هایی بخوانم. هر چقدر پیش رفتم بیشتر غرق افکار منفی شدم. کتاب‌های نیچه مرا به پوچی سوق داد به طوری‌که چند بار دست به خودکشی زدم و حتی یک‌بار هم شش‌روزم را کما بودم.

مرد فوت شده و گفته‌های خانواده‌وی متوجه شدند که وی مدتی است عضو گروه تلگرامی به نام «خودخلاصی» است. همچنین در بررسی‌های بعدی مشخص شد این کانال که از سوی مرد ۳۱ساله‌ای به نام حمید راه‌اندازی شده است که در کانال خود روش استفاده از پودر سیانور و چگونگی آموزش سریع خودکشی را آموزش داده و سیانور را به کاربرانی که قصد پایان دادن به زندگی‌شان داشتند، می‌فروخته است. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که خانه حمید در شهرستان اسلامشهر شناسایی شد و عصر روز پنج‌شنبه ۲۵ دی‌بهشت‌ماه مأموران در قرار صوری به عنوان خریدار مواد سمی وی را بازداشت کردند. مأموران پلیس در جریان بررسی خانه حمید علاوه بر کشف قوطی حاوی پودر سیانور، کتاب‌های روان‌رمانی و مقدار زیادی قرص‌های آرام‌بخش و خواب‌آور کشف کردند.

در روز قبل حمید برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در تحقیقات به فروش سیانور به مرد فوت شده و بسیاری از کاربران کانال خود اعتراف کرد. قاضی دشتیان، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران با هشدار به خانواده‌ها گفت: متهم اعتراف کرد که اجزافات فکری و ذهنی وی تحت تأثیر کتاب‌ها و سایت‌هایی بوده که مطالعه کرده‌است. بنابراین لازم است خانواده‌ها در عصری که به نام عصر اطلاعات نام گرفته است نسبت به فرزندان خود که چه کتابی را مطالعه می‌کنند یا به چه سایت‌هایی در فضای مجازی دسترسی دارند نظارت و مراقبت بیشتر داشته‌باشند. سر‌دار علیرضاطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از متهم بازداشت‌شده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

بفروشم. من معمولاً هر بستهای را به مبلغ ۸۰۰ تا یک میلیون تومان می‌فروختم.

به چند نفر فروختی؟

در این مدت به چهار تا پنج نفر فروختم البته خبر ندارم که آنها استفاده کردند یا نه...

چرا وقتی به روش‌ها آشناسدی خودت به زندگی‌ات پایان ندادی؟

خانواده‌ات خبر داشتند؟

بله. شش سال قبل پدرم فوت کرد. پس از این افسردگی‌م زیاد شد و دوست نداشتم زندگی کنم. مادرم چند بار مرا پیش روانپزشک برد، اما فکر مدعی بود که باید افکار منفی‌را از ذهنم خارج کنم.

حرف آخر؟

کاش هر کتابی را مطالعه نمی‌کردم و با آن کانال‌ها آشنا نمی‌شدم.

مرد فوت شده و گفته‌های خانواده‌وی متوجه شدند که وی مدتی است عضو گروه تلگرامی به نام «خودخلاصی» است. همچنین در بررسی‌های بعدی مشخص شد این کانال که از سوی مرد ۳۱ساله‌ای به نام حمید راه‌اندازی شده است که در کانال خود روش استفاده از پودر سیانور و چگونگی آموزش سریع خودکشی را آموزش داده و سیانور را به کاربرانی که قصد پایان دادن به زندگی‌شان داشتند، می‌فروخته است. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که خانه حمید در شهرستان اسلامشهر شناسایی شد و عصر روز پنج‌شنبه ۲۵ دی‌بهشت‌ماه مأموران در قرار صوری به عنوان خریدار مواد سمی وی را بازداشت کردند. مأموران پلیس در جریان بررسی خانه حمید علاوه بر کشف قوطی حاوی پودر سیانور، کتاب‌های روان‌رمانی و مقدار زیادی قرص‌های آرام‌بخش و خواب‌آور کشف کردند.

در روز قبل حمید برای تحقیق به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در تحقیقات به فروش سیانور به مرد فوت شده و بسیاری از کاربران کانال خود اعتراف کرد. قاضی دشتیان، بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی تهران با هشدار به خانواده‌ها گفت: متهم اعتراف کرد که اجزافات فکری و ذهنی وی تحت تأثیر کتاب‌ها و سایت‌هایی بوده که مطالعه کرده‌است. بنابراین لازم است خانواده‌ها در عصری که به نام عصر اطلاعات نام گرفته است نسبت به فرزندان خود که چه کتابی را مطالعه می‌کنند یا به چه سایت‌هایی در فضای مجازی دسترسی دارند نظارت و مراقبت بیشتر داشته‌باشند. سر‌دار علیرضاطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از متهم بازداشت‌شده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

بفروشم. من معمولاً هر بستهای را به مبلغ ۸۰۰ تا یک میلیون تومان می‌فروختم.

به چند نفر فروختی؟

در این مدت به چهار تا پنج نفر فروختم البته خبر ندارم که آنها استفاده کردند یا نه...

چرا وقتی به روش‌ها آشناسدی خودت به زندگی‌ات پایان ندادی؟

خانواده‌ات خبر داشتند؟

بله. شش سال قبل پدرم فوت کرد. پس از این افسردگی‌م زیاد شد و دوست نداشتم زندگی کنم. مادرم چند بار مرا پیش روانپزشک برد، اما فکر مدعی بود که باید افکار منفی‌را از ذهنم خارج کنم.

حرف آخر؟

کاش هر کتابی را مطالعه نمی‌کردم و با آن کانال‌ها آشنا نمی‌شدم.

سرقت‌های میلیاردی دزدان کلاه‌گیس به سر از خانه‌های غرب تهران



پول و طلایشان سرقت شده‌است. بررسی دوربین‌ها و مدار بسته نشان داد که سارقان چهار مرد جوان بودند و در حالی که کلاه‌گیس یا نقاب به چهره داشتند و شاه‌کلید یا به شبویه کارت‌زنی یا تویی زنی وارد می‌شدند و پس از ارتکاب سرقت می‌گریختند. در شاخه دیگری از تحقیقات شماره پلاک خودروی سارقان به دست آمد اما خیلی زود مشخص شد که پلاک آن اعلام سرقت شده است. کارآگاهان اما در بررسی صحنه جرم با بررسی اثر انگشت متهمان موفق شدند یکی از آنها را که مجرم سابقه‌داری به نام میلاد ۲۴ساله بود شناسایی و بازداشت کنند.

میلاد در بازجویی‌ها به سرقت‌های میلیاردی با همدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد. او گفت: مدتی قبل همراه سه نفر از همشهریانم از شهری در غرب کشور برای کار راهی تهران شدیم و برای کسب درآمد تصمیم به سرقت منازل غرب تهران گرفتیم. من خنمای در اسلامشهر اجاره کرده بودم و خودرویی هم با پلاک تهران خریده بودم. در جریان سرقت‌ها، پلاک خودروهایی که شبیه خودروی خودم بود را سرقت کرده و راهی سرق‌از منازل می‌شدیم. ابتدا خانه‌هایی را که صاحبان آن به سفر رفته بودند شناسایی می‌کردیم. می‌دانستیم که

تهران جریان دارد.

به گزارش خبرنگار ما، عصر روز چهارشنبه ۲۵ دی‌بهشت‌ماه زن و مردی سراسیمه وارد کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس شدند و از زن ناشناسی به اتهام ربودن پسر چهارساله‌شان شکایت کردند. مرد جوان گفت: ساعتی قبل پسریم تیام همراه برادر بزرگترش داخل کوچه بازی می‌کرد که زن ناشناسی او را ربود. پس از طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به دستور قاضی واحدی، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران برای پیدا کردن تیام کوچولو وارد عمل شدند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت خانواده تیام موفق شدند زن آدم‌ربا را دستگیر کنند و تحویل مأموران دهند.

پدر تیام به خبرنگار ما گفت: من نقاش ساختمان هستم و خانه‌ام در خیابان جشنواره است. روز چهارشنبه سر کار بودم که ساعت ۴ بعدازظهر همسرم همراه تیام و برادر هشت‌ساله‌اش به خانه مادرش می‌رود. تیام و برادرش جلوی خانه مادر زنم بازی می‌کردند که حدود یک‌ساعت بعد زنی به پسر بزرگم می‌گوید از طرف مادرش آمده تا تیام را برای بازی به پارک ببرد. او، پسر هشت‌ساله‌ام را فریب داده بود و تیام را با خودش می‌برد. پس از این پسرم به داخل خانه می‌رود و به مادرش ماجرا را می‌گوید. وقتی همسرم به داخل کوچه می‌آید خبری از زن ناشناس و تیام نیست.

در اولین گام همراه مأموران فیلم دوربین‌های مداربسته را دیدیم که نشان می‌دادن زن معتادی، تیام را داخل کارتن بزرگی قرار می‌دهد و با خود می‌برد. از چهره زن ناشناس



زن آدم‌ربا

از روی فیلم عکس گرفتیم و پس از آن همراه بستگانم به جست‌وجوی او پرداختیم. در این چند روز خواب به چشمانم نیامد تا اینکه زن معتاد را نیمه‌شب های شبانه داخل پارک گلشن دیدیم و دستگیرش کردیم. متهم به من گفت که فرزندم را دزدیده و برای گدایی به چهارراه تیرانداز برده و آنجا گمش کرده‌است. وی در پایان گفت: از همه همشهریان درخواست دارم کمک کنند تا تیام را به آغوش مادرش برگردانم.

قاتل زن تنها

بار دیگر محاکمه می‌شود

مرد محکوم به مرگ که در جریان رابطه پنهانی زن مطلقه را به قتل رسانده بود با جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه می‌شود.
به گزارش خبرنگار ما، ۲۶شهریور سال۹۴ مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه از قتل زنی تنها در یکی از خانه‌های محل با خبر و در محل حاضر شدند. مردی که پلیس را باخبر کرده بود، گفت: «فایقی قبل پسر نوجوان همسایه سراسیمه از خانه‌شان بیرون آمد و با گر به ما راز: مرگ مادرش با خبر کرد. بلافاصله به خانه آنها رفتیم و با جسد مادرش مواجه شدیم.»

جسد متعلق به زن ۳۸ساله به نام پروین بود که یک روسری دور گردنش پیچیده شده بود. پس ۱۰ساله مقتول گفت: «مادرم دو سال قبل از پدرم طلاق گرفت و من در خانه مادرم با هم زندگی می‌کردیم. مدتی قبل مادرم با مرد جوانی به نام نوید آشنا شده‌بودم و روز گذشته قرار بود او به خانه ما بیاید. قبل از آمدن مادرم با نوید تماس گرفت و از او خواست سر راه یک ساندویچ بخرد. وقتی نوید به خانه ما آمد به اتاق رفتم و بعد از خوردن ساندویچ خوابیدم. ساعتی نگذشت بود که بیدار شدم و به اتاق خواب مادرم رفتم اما هر چه را او صدام کرد او جوابی نداشتیم. فکر کردم خوابیده است اما جلوتر که رفتم با صورت کبود او روبه‌رو شدم که نفس نمی‌کشید.»

با ثبت این توضیحات نوید شناسایی و بازداشت شد. او که صاحب همسر و دو فرزند بود با اقرار را به همسرم اختلاف داشت و گفت: «چند ماه قبل با پروین در خیابان آشنا شدم و وقتی فهمیدم او مطلقه است و تنها زندگی می‌کند تصمیم گرفتم هزرا گاهی به دیدنش بروم و از لحاظ مالی او را کمک کنم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «من با همسرم اختلاف داشتم و مدام با هم در گیر بودیم. روز حادثه هم با او بحثم شده بود و عصبانی بودم. این شد که با پروین تماس گرفتم و خواستم به دیدنش بروم. پروین قبول کرد و مرا به خانه‌اش دعوت کرد. وقتی به خانه پروین رفتم، او مرا به اتاق دعوت کرد و بعد از آن صدای ضبط صوت را زیاد کرد. چند بار خواستم صدارا کنم کند اما او قبول نمی‌کرد تا اینکه عصبانی شد و یک سیلی به صورت زد. من که از قبل ناراحت بودم با این رفتار کنترل اعصابم را دست‌دادم و او را با یک روسری خفه کردم سپس از خانه مقتول فرار کردم.»

پرونده متهم بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه محاکمه به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. این حکم بعد از تأیید در دیوان عالی کشور در آستانه اجرا قرار داشت تا اینکه متهم با پرداخت دیه توانست از چوبه دار فاصله بگیرد.

به این ترتیب متهم سیح دیروز از زندان اعزام و در همان شعبه حاضر شد. ریاست شعبه قاضی عبداللهی با بررسی اوراق در پرونده آن‌را به دلیل عدم درخواست نماینده دادستان به دادرس ارجاع داد تا بعد از اعلام درخواست از سوی نماینده دادستان در نوبت رسیدگی قرار گیرد. به این ترتیب متهم به زودی از جنبه عمومی جرم محاکمه خواهد شد.

ناپدید شدن ناگهانی

کودک کار



تحقیقات پلیس آگاهی تهران برای پیدا کردن اسماعیل، کودک ۱۱ساله افغان که هنگام دستفروشی در خیابان امام‌درد حسین ناپدید شده همچنان در جریان است.
به گزارش خبرنگار ما، خانواده اسماعیل ۱۱سوم اردیبهشت‌ماه اسال گم شدن او را به کلانتری ۱۴۹ امام‌زاده حسن تهران دادند. آنها گفتند که کودک ۱۱ساله‌شان حوالی امام زاده حسن دستفروشی می‌کرده که به طور

ناگهانی ناپدید شده است. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ از شهروندانی که از سرنوشته اسماعیل خبر دارند درخواست اطلاعات خود را از طریق شماره تماس ۵۱۰۵۵۵۱۱ و ۵۱۰۵۵۶۲۱ در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.